

فرهنگ‌نامه‌های ۱۱
زبان‌شناسی



فرهنگ زبان‌شناسی کاربردی

کامبیز محمودزاده

زبان‌شناسی کاربردی یکی از حوزه‌های مطالعاتی میان‌رشته‌ای است که دربرگیرنده تعداد قابل ملاحظه‌ای از رشته‌های گوناگون از جمله زبان‌شناسی، روان‌شناسی زبان، ترجمه‌شناسی، یادگیری / فراگیری زبان، تدریس زبان، جامعه‌شناسی زبان است. در این فرهنگ، سعی شده پربسامدترین اصطلاحات هر یک از این رشته‌ها گنجانده شود. در گردآوری این مجموعه، نزدیک به ۲۰ مرجع شامل مجموعه مقاله‌ها، کتاب‌ها، فرهنگ‌های توصیفی زبان‌شناسی کاربردی استفاده شده است.



۲۰۰۰ تومان

سرشناسه	محمودزاده، کامبیز، -
عنوان و نام پدیدآور	فرهنگ زبان شناسی کاربردی / مؤلف کامبیز محمودزاده.
مشخصات نشر	تهران: نشر علمی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۱۲۰ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۳۰۱-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۶
موضوع	زبان شناسی کاربردی -- واژه نامه ها
موضوع	زبان شناسی کاربردی -- واژه نامه ها -- انگلیسی
رده بندی کنگره	۱۳۹۴ ۴۴۳/۳ P1۲۹
رده بندی دیویی	۴۱۸ / ۰۰۳
شماره کتابشناسی ملی	۳۹۳۱۴۳۸



خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران شماره ۱۲۲۴

تلفن: ۶۶۴۶۰۶۶۷ فکس: ۶۶۴۹۶۶۱۱

فرهنگ زبان شناسی کاربردی

مؤلف: کامبیز محمودزاده

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۳۰۱-۷

مرکز پخش: انقلاب- خیابان ۱۲ فروردین- شهدای ژاندارمری- پلاک ۱۰۳

تلفن تماس جهت دریافت کتاب در منزل یا محل کار: ۱۲ و ۵۱۱-۶۶۴۶۰۷۲-۶۶۴۶۳۰۷۲

یادداشت ناشر

بومی سازی هر دانشی، زمانی تحقق می یابد که واژگان فنی آن علم به صراحت توصیف شده باشند و از هیئتی برخوردار شوند که بتوان به گونه ای یکدست و هماهنگ به کارشان برد. در کنار دو مجموعه ی «کهن نامه های زبان شناسی» و «نگین های زبان شناسی»، سعی بر این بوده است تا با مجموعه ی تازه ای به نام «فرهنگ نامه های زبان شناسی» به این هدف دیرینه، یعنی همانا دستیابی به آرمان تمامی زبان شناسان ایران که چیزی جز «زبان شناسی در خدمت زبان های ایران» نبوده و نیست، تحقق ببخشیم.

محمدعلی علمی

مقدمه

پس از حدود دوازده سال تدریس زبان‌شناسی کاربردی، شانس آن را یافتیم تا مجموعه‌ای کوچک از اصطلاحات مربوط به این حوزه را گردآوری کنیم که به گمان من، صورت کامل آن صفحات بسیاری را طلب می‌کند ولی در حوصله چنین فرهنگی نخواهد بود.

با توجه به گستردگی حوزه زبان‌شناسی کاربردی از یک‌سو و محدودیت‌های این فرهنگ از دیگر سو، پرکاربردترین اصطلاحات مرتبط با تدریس زبان، فراگیری زبان، زبان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی زبان، روان‌شناسی زبان، و مطالعات ترجمه در این فرهنگ توصیفی گنجانده شده است. در سرتاسر فرهنگ، برای هر مدخل فقط یک معادل فارسی انتخاب و مثال‌ها نیز تا حد امکان از زبان فارسی ارائه شده است.

در درون متن، به دو صورت به مدخل‌ها ارجاع داده شده است: (۱) با استفاده از حروف سیاه در متن مدخل و (۲) با علامت پیکان (→) در انتهای مدخل. البته تلاش شده ارجاع درون‌متنی به حداقل برسد تا درک مدخل‌ها وابسته به مراجعه به مدخل‌های دیگر نباشد.

شایسته است از کمک‌های بی‌دریغ سرکار خانم محبوبه خواجویی راد و نیز سرکار خانم کیمیا فضایی که در گردآوری و معادلیابی مدخل‌ها مرا یاری کرده‌اند قدردانی کنم.

در تدوین این مقال، بیشترین زحمت بر عهده دوست جوانم جناب آقای محمدرضا رضائیان دلونی بوده که با دقت و باریک‌بینی بسیار زحمت ویرایش آن را کشیده‌اند. از ایشان سپاسگزارم.

در تدوین فرهنگ، علاوه بر مراجعه به واژه‌نامه‌های عمومی و تخصصی دوزبانه، متون تألیفی و ترجمه‌ای فارسی و نظر صاحب‌نظران و متخصصان، از منابع اصلی زیر استفاده شده است:

- Bussmann, H. (1996). *Routledge dictionary of language and linguistics* (G. Trauth & K. Kazzazi, Trans.). London, England: Routledge.
- Geeraerts, D., & Cuyckens, H. (Eds.) (2007). *The Oxford handbook of cognitive linguistics*. Oxford University Press.
- Mesthrie, R. (Ed.) (2001). *Concise encyclopedia of sociolinguistics*. Oxford, England: Elsevier.
- Palumbo, G. (2009). *Key terms in translation studies*. London, England: Continuum.
- Richards, J. C., & Schmidt, R. (2010). *Longman dictionary of language teaching and applied linguistics* (4th ed.). Harlow, England: Longman.
- Sőrosdy, J., Bencze, T. F., Poyr, Z., & Vadnay, M. (2006). *Applied linguistics I for BA students in English*. Budapest, Hungary: Bölcsész Konzorcium.
- Shuttleworth, M., & Cowie, M. (1997). *Dictionary of translation studies*. London, England: Routledge.
- Wardhaugh, R. (2006). *An introduction to sociolinguistics* (5th ed.). Malden, USA: Blackwell.

aptitude test**آزمون استعداد**

آزمونی که استعداد فرد را در یادگیری زبان دوم یا زبان خارجی می‌سنجد و افرادی را که احتمال موفقیت بیشتر دارند مشخص می‌کند. در شرایط یکسان، استعداد زبانی بالا سرعت و سهولت یادگیری را افزایش می‌دهد. آزمون استعداد شامل چند آزمون است که توانایی‌های زیر را می‌سنجد: تشخیص و به یاد آوردن آواهای جدید زبان دوم، درک نقش‌های دستوری بخش‌های جمله، درک معنی بدون توضیح اضافه در زبان مقصد، به یاد آوردن واژگان و قواعد زبان مقصد.

achievement test**آزمون پیشرفت ← آزمون مهارت****proficiency test****آزمون مهارت**

آزمونی است که سطح مهارت زبانی زبان‌آموز را می‌سنجد. تفاوت بین آزمون مهارت و آزمون پیشرفت در این است که آزمون پیشرفت معمولاً میزان یادگیری را در درس یا دوره خاصی می‌سنجد. آزمون مهارت به یک دوره آموزشی خاص مربوط نمی‌شود و سطح عمومی تسلط به زبان را تعیین

می‌کند. اگرچه این مهارت ممکن است نتیجه آموزش و یادگیری‌های قبلی باشد، این ملاحظات معمولاً مورد توجه نیستند. برخی از آزمون‌های مهارت، مثل تافل، برای استفاده در سراسر جهان استاندارد شده‌اند.

آسیب‌شناسی گفتار speech pathology

به مطالعه ناهنجاری‌های زبان و چگونگی شکل‌گیری و گسترش آن در کودکان و بزرگسالان آسیب‌شناسی گفتار می‌گویند، برای مثال مطالعه لکنت زبان یا زبان پریشی. آسیب‌شناسی گفتار هم به تشخیص این نوع ناهنجاری‌ها می‌پردازد و هم راهکارهایی (از جمله راهکارهای پزشکی) برای درمان آن‌ها ارائه می‌دهد.

آموزش ارتباطی زبان communicative language teaching

رویکردی در آموزش زبان دوم که در آن هدف اصلی آموزش زبان، تقویت توانش ارتباطی است و همه فعالیت‌های کلاسی بر ارتباط معنادار و کاربرد زبان در مکالمه متمرکز است. این رویکرد پاسخی به روش دستور و ترجمه و روش شنیداری - گفتاری بود. درستی و روانی گفتار هر دو از اهداف این روش‌اند. یادگیری بر اساس آزمون و خطا و دربردارنده همه مهارت‌های زبانی است. رویکرد ارتباطی منجر به بازبینی اهداف آموزش زبان، برنامه‌ریزی درسی، مطالب درسی و فعالیت‌های کلاسی شد و تأثیر بسزایی در آموزش زبان در سراسر جهان داشت.

آموزش توانش محور competency based teaching

رویکردی است در آموزش زبان که بر آموزش مهارت‌ها و رفتارهای لازم برای گسترش و تقویت توانش‌های گوناگون تمرکز دارد. توانش به توانایی زبان‌آموز در به‌کارگیری مهارت‌های ابتدایی گوناگون در فعالیت‌های روزمره اشاره دارد.

آموزش توانش محور مبتنی بر مجموعه نتایجی است که از تحلیل فعالیت‌های زبان‌آموزان در موقعیت‌های واقعی زندگی روزمره به دست می‌آید.

آموزش دوزبانه افزایشی **additive bilingual education**

نوعی از آموزش دوزبانه که در آن، زبان تدریس زبان مادری فرد نیست. هدف این نوع آموزش حفظ و حمایت از زبان اول است و نه جایگزین کردن آن با زبان دیگر. برای مثال، هدف دوره‌های دوزبانه در فرانسه برای کانادایی‌های انگلیسی زبان، آموزش زبان دوم است، نه جایگزین کردن فرانسوی به جای انگلیسی.

آموزش زبان تمرین محور **task-based language teaching**

رویکردی در آموزش زبان که اساسش استفاده از تمرین‌های ارتباطی و تعاملی برای ارائه و رساندن مطالب جدید به زبان‌آموزان است. این تمرین‌ها به علت داشتن تعامل معنادار و ماهیت جدلی تأثیر فراوانی بر یادگیری زبان دارد. این روش زبان‌آموزان را قادر می‌سازد که با استفاده از زبان در موقعیت‌های اصیل و طبیعی، دستور زبان را فراگیرند.

آموزش فراگیر محور **student-centered teaching**

روشی در آموزش که تأکیدش بر نقش فعال زبان‌آموز در یادگیری است. در این روش، زبان‌آموزان بر روش و محتوای مفاد درسی خود کنترل بیشتری دارند و برای هر عهده گرفتن مسئولیت بیشتر در کلاس درس تشویق می‌شوند. این روش با روش سنتی معلم‌محور که در آن معلم کلاس را در کنترل دارد در تقابل است.

آموزش متمایز **differentiated instruction**

آموزش متمایز زمانی رخ می‌دهد که مدرس با در نظر گرفتن نیازهای گوناگون فراگیران، مانند سطوح مختلف توانایی و مهارت، سبک یادگیری، سن، سابقه

تحصیلی و معدل، روش و تکلیف‌های خاصی در پیش می‌گیرد. از این روش بیشتر در کلاس‌های آموزش زبان‌های خارجی که در آن‌ها حضور افراد با سطوح مختلف دور از انتظار نیست استفاده می‌شود.

آموزش محتوامدار **content-based instruction**

این نوع آموزش توصیف‌کننده برنامه یا کلاسی است که در آن تأکید بر موضوع و محتوا است نه دستور زبان یا واژگان. در این روش، فراگیران با استفاده از زبان درگیر یادگیری مطالب می‌شوند.

آموزش موقعیتی زبان **situational language teaching**

آموزش موقعیتی زبان روشی دستوربنیان است که در آن از قواعد طبقه‌بندی دستور و واژگان استفاده می‌شود و نکات آموزشی جدید از طریق موقعیت‌های گوناگون آموزش داده می‌شود. اگرچه این روش قدیمی شده است، فنون مبتنی بر آن همچنان در کتاب‌های آموزش زبان دیده می‌شود.

ادب **politeness**

اینکه در یک جامعه زبانی خاص، فاصله اجتماعی بین گویندگان و ارتباط بین آن‌ها چگونه در زبان منعکس می‌شود و طرف‌های مکالمه با چه شیوه‌هایی وجهه خود را در طول مکالمه حفظ می‌کند. زبان‌ها در چگونگی بیان ادب متفاوت‌اند. نشانه‌های ادب شامل تفاوت بین گفتار رسمی و زبان محاوره و نحوه خطاب کردن است. برخی صاحب‌نظران بین راهبردهای ادب مثبت (آنچه نزدیکی، صمیمیت و تفاهم بین گوینده و شنونده را نشان می‌دهد) و راهبردهای ادب منفی (آنچه فاصله اجتماعی بین گوینده و شنونده را نشان می‌دهد و مانع خدشه‌دار شدن وجهه افراد در مکالمه می‌شود) تفاوت قائل‌اند.

communication**ارتباط**

تبادل هدف‌مند نظرها و اطلاعات بین دو یا چند نفر را ارتباط گویند. هر فعالیت ارتباطی سه مؤلفه (فرستنده، پیام، گیرنده) و سه مشخصه (شکاف اطلاعاتی، انتخاب، بازخورد) دارد. شکاف اطلاعاتی بدین معنی است که نویسنده یا گوینده اطلاعاتی دارد که دیگران ندارند. در هر موقعیت ارتباطی، گوینده انتخاب می‌کند که چه بگوید و چگونه بگوید. دریافت‌کننده پیام نیز باید به اطلاعاتی که از گوینده یا نویسنده دریافت می‌کند واکنش نشان دهد.

assessment**ارزشیابی**

ارزشیابی شامل آزمودن، سنجش یا قضاوت دربارهٔ پیشرفت یا مهارت زبان‌آموز است. در ارزشیابی تمرکز بر یادگیری زبان‌آموز و حاصل کار معلم است. در برخی موارد، ارزشیابی کلاسی قضاوت‌گونه نیست و هدف از آن نیز نمره دادن نیست، بلکه ابزاری برای ارزیابی زبان‌آموز و ارائهٔ بازخورد پیش از برگزاری آزمون‌های میان‌ترم و پایان‌ترم است. ارزشیابی به دو صورت تکوینی یا مستمر (در طول ترم) و تجمیعی یا پایانی (در پایان ترم) است.

performance-based assessment**ارزشیابی عملکردمحور**

رویکردی به ارزشیابی که یادگیری زبان‌آموز را بر اساس میزان موفقیت وی در انجام دادن وظایف و تکالیف واقعی و عملی از قبیل نوشتن مقاله یا شرکت در گفت‌وگوهای کوتاه می‌سنجد. به نظر می‌رسد این روش در مقایسه با آزمون‌های سنتی از قبیل تست‌های چندگزینه‌ای معیار سنجش بهتری باشد.

metaphor**استعاره**

نوعی کاربرد مجازی زبان مبتنی بر مشابهت یا قیاس. بسیاری استعاره را همان تشبیه می‌دانند که در آن ادات تشبیه حذف و فقط مشبیه ذکر می‌شود. استعاره،

برعکس تشبیه، به صراحت اظهار نمی‌شود؛ بنابراین در بیت «ای گل خوش نسیم من، بلبل خویش را مسوز / کز سر صدق می‌کند شب همه شب دعای تو»، «گل خوش نسیم» و «بلبل» به ترتیب استعاره از عاشق و معشوق است. استعاره‌ها با گذشت زمان در زبان تثبیت می‌شوند و معنی استعاره‌ای آن‌ها در کنار معانی تحت‌اللفظی در واژگان ذهنی گویشوران ذخیره می‌شود. استعاره‌ها ابزار مهمی در انتقال فرهنگ و معنایند و هر زبانی استعاره‌های مختص خود را دارد که زبان‌آموزان در یادگیری زبان دوم یا خارجی باید بر آن‌ها مسلط شوند.

entailment

استلزام معنایی

رابطه بین دو یا چند گزاره که بر طبق آن، درستی یک گزاره درستی دیگری را نیز دربردارد. استلزام به معنای خود جمله ربط دارد و نه به بافت کاربرد جمله. مثلاً جمله‌های «کوروش مگس را کُشت.» و «مگس مرد.» را در نظر بگیرید. اگر جمله اول درست باشد، جمله دوم نیز باید درست باشد زیرا صدق جمله اول متضمن صدق جمله دوم است.

inferencing

استنباط

در یادگیری و درک مطلب، فرایند رسیدن به فرضیه، حدس، یا قضاوت بر اساس دانش، افکار، یا قضاوت‌های دیگر. استنباط یکی از راهبردهای یادگیری است که زبان‌آموزان برای درک قواعد دستوری و فهم متون نوشتاری و گفتاری از آن کمک می‌گیرند. استنباط انواع گوناگون دارد: استنباط گزاره‌ای منطقاً و لزوماً نتیجه گزاره مفروض است. استنباط عملی اطلاعات اضافی‌ای فراهم می‌آورد که به درک متن کمک می‌کنند اما نقش کلیدی ندارند. برخی

استنباط‌ها روابط علی - معلولی رویدادها و مفاهیم را بررسی می‌کنند و برخی دیگر نقشی در درک متن ندارند.

اشتباه **mistake**

اشتباه همان بی‌دقتی چه در تولید زبان مادری و چه در تولید زبان دوم است. این بی‌دقتی می‌تواند ناشی از فراموشی، خستگی، بی‌توجهی، یا احساسات شدید باشد. اشتباه‌ها عموماً لغزش زبانی است و افراد در زبان مادری خود نیز ممکن است در گفتار یا نوشتار اشتباه‌هایی مرتکب شوند. اشتباه‌ها نظام‌مند نیستند بلکه به طور تصادفی رخ می‌دهند؛ زبان‌آموز نیز اغلب سریع متوجه می‌شود و تصحیحشان می‌کند. ← خطا

اصالت **authenticity**

در آموزش زبان، میزان شباهت مطالب درسی با ویژگی‌های گفتار یا نوشتار طبیعی. در آموزش زبان، دو نوع مطلب درسی از یکدیگر متمایز می‌شود: مطالبی که فقط برای توضیح یا تمرین نکات آموزشی خاص تهیه می‌شود (مانند متون نوشتاری، متون شنیداری یا مکالمه‌ها) و مطالبی که از منابع دنیای واقعی (مانند روزنامه‌ها، مجله‌ها، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی) گرفته می‌شود و اساساً برای اهداف آموزشی طراحی نشده است. برخی بر این باورند که استفاده از این نوع مطالب در کلاس‌ها بهتر است زیرا کاربرد زبان را در موقعیت‌های طبیعی جهان پیرامون نشان می‌دهد.

اصطلاح **idiom**

گروهی از واژه‌ها که همراه با هم می‌آیند به گونه‌ای که معنای کل را نمی‌توان از معنای تک‌تک واژه‌ها دریافت، مانند «آفتابی شدن» و «چپ چپ نگاه کردن» در فارسی.